

## آموزش ترجمه به طریق خودآموز (۶)

در این شماره دو متن کوتاه را به روش خودآموز چهارمرحله‌ای با هم ترجمه می‌کنیم: در مرحله اول از شما می‌خواهیم متن زیر را ترجمه کنید و شما با استفاده از توانایی خود و بدون رجوع به توضیحات بعدی متن را ترجمه می‌کنید.

متن اول بخشی از رمانی است به نام قدرت و جلال اثر گراهام گرین که مترجم زبردست هرمز عبداللهی آن را ترجمه کرده است. نخست متن را ترجمه کنید و سپس ترجمه‌تان را با ترجمه مترجمی حرفه‌ای مقایسه کند. این مقایسه خود بهترین شیوه آموختن است.

متن زیر زبانی نسبتاً ساده دارد ولی نکته مهم در ترجمه آن حفظ سادگی و روانی زبان است به نحوی که به نظر برسد ترجمه خود زبانی ادبی دارد. برای حفظ سادگی و ادبیت زبان، رعایت ایجاز اهمیت دارد، یعنی در ترجمه‌تان هر چه کلمه کمتر به کار ببرید بهتر است. در پایان می‌توانید تعداد کلمات ترجمه‌تان را با تعداد کلمات مترجم مقایسه کنید.

**متن اول:**

**مرحله اول:** متن زیر را ترجمه کنید:

A face peered round the hut door at him and quickly withdrew—an old woman's face, but you could never tell with Indians—she mightn't have been more than twenty. He got up and went outside. She scampered back from before him in her heavy sack-like skirt, her black plaits swinging heavily. Apparently his loneliness was only to be broken by these evasive faces, creatures who looked as if they had come out of the Stone Age, who withdrew again quickly. He was stirred by a sort of sullen anger—this one should not withdraw. He pursued her across the clearing, splashing in the pools, but she had a start and no sense of shame and she got into the forest before him. It was useless looking for her there, and he returned towards the nearest hut. It wasn't the hut which he had been sheltering in before, but it was just as empty. What had happened to these people? He knew well enough that these

more or less savage encampments were temporary only; the Indians would cultivate a small patch of ground and when they had exhausted the soil for the time being, they would simply move away. They knew nothing about the rotation of crops, but when they moved they would take their maize with them.

**مرحله دوم:** در این مرحله، نکته‌های مهم واژگانی، ساختاری و معنایی متن توضیح داده می‌شود تا ببینید آیا متن را درست فهمیده‌اید یا نه. پس از خواندن این توضیحات می‌توانید ترجمه خود را اصلاح کنید.

۱. جمله *mightn't have been* ابهام دارد چون آن را به دو طریق می‌توان ترجمه کرد: «احتمال داشت» یا «ممکن نبود». معنی درست آن بستگی به بافت جمله دارد.
۲. نویسنده برای اینکه توصیفش دقیق‌تر باشد، از کلمات خاص (و نه عام) استفاده کرده، مثل *stirred, scampered back, peer*، در ترجمه هم می‌شود تا حد امکان از چنین کلمات دارای لایه‌های خاص و اضافی معنایی استفاده کرد.

**مرحله سوم:** ترجمه خود را با ترجمه چاپ‌شده زیر مقایسه کنید و به تفاوت‌ها توجه کنید.

**ترجمه چاپ شده:** صورتی از گوشه در کلبه به دقت او را ورنانداز کرد و به سرعت عقب کشید. صورت پیرزنی بود، اما سن و سال سرخ‌پوستان را نمی‌توان درست حدس زد. احتمال داشت حتی بیشتر از بیست سال نداشته باشد. کشیش بلند شد و رفت بیرون. زن با دامن کیسه‌مانندش از جلوی او گریخت. گیس‌های بافته سیاهش به سنگینی تاب می‌خورد. ظاهراً مقدر بود که تنهایی کشیش فقط با چنین صورت‌های گریزانی به هم بخورد. موجوداتی که به نظر می‌آمد انگار از درون عصر سنگی به در آمده و دوباره به سرعت به آن بازمی‌گردند. خشمی آکنده از کج خلقی او را به غلیان آورد — این یکی را نباید بگذارم از دستم فرار کند. شلپ‌شلپ‌کنان در گودال‌های آب او را تا انتهای محوطه بی‌درخت دنبال کرد، اما زن تیز و چابک بود و هیچ احساس شرمی در او پیدا نبود و پیشاپیش کشیش وارد جنگل شد. و در جنگل هم دنبال کردن او بی‌فایده بود. کشیش برگشت به نزدیک‌ترین کلبه. همان کلبه‌ای نبود که پیش‌تر به آن پناه آورده بود. اما آن کلبه نیز خالی بود. چه بلایی سر این مردم آمده بود؟ خیلی خوب می‌دانست که این خانه‌های کم‌و‌بیش بدوی صرفاً موقتی هستند. سرخ‌پوست‌ها تکه‌ای از زمین را می‌کارند و وقتی که خاک را عاجالتاً از رمق انداختند به‌سادگی از آنجا کوچ می‌کنند. چیزی از آیش و به نوبت کاشتن محصولات سرشان نمی‌شود، اما هنگام کوچ محصول ذرتشان را همراه خود می‌برند.

مرحله چهارم: به توضیحاتی درباره ترجمه چاپ شده توجه کنید:

۱. مترجم جمله *but she had a start* را چنین ترجمه کرده: اما زن تیز و چابک بود. ترجمه درست آن می‌شود: اما زن از او جلوتر بود.
۲. مترجم جمله *He was stirred by a sort of sullen anger* را چنین ترجمه کرده: خشمی آکنده از کج خلقی او را به غلیان آورد. ترجمه بسیار خوبی است و تعبیر نویسنده بیانی کاملاً فارسی پیدا کرده است. توجه کنید که تعبیر *a sort of* که برخی آن را (نوعی) ترجمه می‌کنند در ترجمه مترجم نیامده است.
۳. جمله «و هیچ احساس شرمی در او پیدا نبود» نامفهوم است. خواننده ممکن است از خود پرسد «چرا زن سرخ‌پوست هنگام فرار احساس شرم نمی‌کرد؟» عبارت *sense of shame* باید در خود متن تفسیر شود. به نظر می‌رسد منظور نویسنده این است که زن مصمم بود و هیچ چیزی مانع فرار بی‌امان او نبود.

متن دوم:

مرحله اول: متن زیر را ترجمه کنید: توجه کنید که این متن گزیده‌ای از یک داستان طنز است، بنابراین، زبان داستان باید لحن طنز داشته باشد.

The children were to be driven, as a special treat, to the sands at Jagborough. Nicholas was not to be of the party, he was in disgrace. Only that morning he had refused to eat his wholesome bread-and-milk on the seemingly frivolous ground that there was a frog in it. Older and wiser and better people (his aunt), had told him that there could not possibly be a frog in his bread-and-milk and that he was not to talk nonsense, he continued, nevertheless, to talk what seemed complete nonsense, and described with much detail the coloration and markings of the alleged frog. The dramatic part of the incident was that there really was a frog in Nicholas's basin of bread-and-milk, he had put it there himself, so he felt entitled to know something about it. The sin of taking a frog from the garden and putting it into a bowl of wholesome bread-and-milk was enlarged on at great length, but the fact that stood out clearest in the whole affair, as it presented itself to the mind of Nicholas, was that the older, wiser, and better people had been proved to be profoundly in error in matters about which they had expressed the utmost assurance.

مرحله دوم: توضیح برخی نکته‌ها

۱. در جمله اول، برای اصطلاح *as a special treat* شاید نتوان معادلی اصطلاحی پیدا کرد، اما مفهوم آن را می توان به شکلی دیگر بیان کرد. همچنین کلمه *driven* بر بردن بچه‌ها با اتومبیل تأکید دارد.
۲. عبارت *wholesome bread-and-milk* توصیفی از زبان نویسنده نیست، بلکه عبارتی است که همان آدم‌های بزرگ‌تر و بهتر و عاقل‌تر (از جمله عمه‌اش) خطاب به نیکلاس می‌گویند.

**مرحله سوم:** ترجمه خود را با ترجمه پیشنهادی زیر مقایسه کنید. در ترجمه پیشنهادی چه انتخاب متفاوت و بهتری می‌بینید که به ذهن خود شما نرسیده است؟

**ترجمه پیشنهادی:** قرار بود بچه‌ها را حسابی تحویل بگیرند و با ماشین به ساحل جگ‌بورو ببرند. ولی نیکلاس قرار بود در خانه بماند چون کار شرم‌آوری مرتکب شده بود. آن روز صبح از خوردن صبحانه‌ای مقوی شامل نان و شیر سر باز زده بود چون ظاهراً از روی شیطنت گفته بود که در بشقابش قورباغه‌ای شنا می‌کند. آدم‌های بزرگ‌تر و بهتر و عاقل‌تر (از جمله عمه‌اش) به او گفته بودند که قورباغه توی شیر تو چه کار می‌کند؛ بعد هم بهش توصیه کرده بودند که از مسخره‌بازی دست بردارد. ولی او از این حرف ظاهراً مسخره دست برداشته بود که بماند، حتی رنگ و خصوصیات این قورباغه کذائی را دقیقاً توصیف کرده بود. نکته جالب این ماجرا این بود که در بشقاب نان و شیر نیکلاس واقعاً قورباغه شنا می‌کرد؛ آخر خودش آن را در بشقاب گذاشته بود و بنابراین خود را محق می‌دانست که اطلاعاتی در مورد قورباغه کسب کند. برداشتن قورباغه از باغ و گذاشتنش در بشقاب غذایی مقوی شامل نان و شیر را گناهی نابخشودنی به حساب آوردند، اما در این ماجرا نکته‌ای که در ذهن نیکلاس بسیار محرز بود این بود که آدم‌های بزرگ‌تر و بهتر و عاقل‌تر در مورد موضوعاتی که به آنها کاملاً یقین داشتند کاملاً اشتباه می‌کردند.

**مرحله چهارم:** به توضیحاتی درباره ترجمه پیشنهادی توجه کنید:  
در ترجمه متن فوق تلاش شده که ضمن پای‌بندی به متن اصلی، لحن طنز داستان در ترجمه بازآفریده شود.